

Robin Christian

Leobold Brugger

Robin Christian

1997 - 1998

ISBN 964-7518-10-1

[1997]

ISBN 964-7518-10-1

Leobold Brugger, 1997

Leobold Brugger, 1997

1997

1997

ISBN 964-7518-10-1

ISBN 964-7518-10-1

ایزابیل بروژ

1997-1998

1997-1998



نوشتۀ کریستیان بوین
ترجمۀ مهوش قویمی

پدر و مادرش نگاه می‌کند. بزرگراه خالی است. سرعتِ اتومبیل شکل
یکنواختی به منظره‌ی اطراف می‌دهد. از دو ساعت پیش همان
مزرعه‌ها دیده می‌شوند. همان تپه‌های دور دست، منظره ساکن است.
سرعت، مکان و موقعیت را محو می‌کند. سرعت مستقیماً سر اصل قضیه
می‌رود. از زمین به آسمان که روی زمین سُر می‌خورد. از رنگ سرمه‌ای
بزرگراه به آسمان آبی وحنایی. حشره‌ای روی شیشه‌ی جلو له می‌شود.
فرشته‌ای که بال‌هایش را از دست می‌دهد. آدرین به او نگاه می‌کند،
ثانیه‌ها را می‌شمرد تا قطره‌ای آب روی لاشه‌ی ریز بیفتد. «اگر تا ده
شمردم، با ایزابل عروسی می‌کنم، اگر به پانزده رسیدم، با آن. اگر تا بیست
شمردم، اگروبات می‌شوم و بیشتر از بیست، دامپزشک». بعد از شش
ثانیه دل آسمان می‌ترکد. بارانی خشمگین و مودی، یکپارچگی منظره
را می‌درد، افق را محو می‌کند، روی طاق اتومبیل می‌کوبد. سر و صدا
دخترها را بیدار می‌کند. پرتو نارنجی رنگ یک ایستگاه پمپ بنزین، در
یک جنگل آبی. اتومبیل آرام می‌ایستد. همه به مغازه‌ی روشن پناه
می‌برند، سه کودک پیشاپیش بقیه، دخترها قاه قاه می‌خندند و پسرک
را با خود می‌برند.

بعد از ترس، گرسنگی. بعد از سُر سُر ناگهانی باران و خشم هوا و
رنگ‌ها، میل به غذا خوردن. انتهای ایستگاه خدمات اتومبیل یک سالن
غذاخوری است. پدر و مادر سر یک میز و بچه‌ها سر میز دیگری
می‌نشینند. پیتزا برای همه. آدرین روی بشقابش خم شده و با سر و
صدای زیاد غذا را می‌بلعد. سرش را وقتی بلند می‌کند که صورت آغشته

باران حدود ساعت هفت شب باریدن می‌گیرد. ابتدا مردّد، چند
قطره روی شیشه‌ی جلوی اتومبیل، چند نقطه‌ی روشن روی کثیفی
شیشه‌ها. آنقدر نیست که بخواهیم برف پاک‌ن‌ها را روشن کنیم.

آن^۱ و ایزابل^۲ روی صندلی‌های عقب چرت می‌زنند. آدرین^۳،
همانطور که همیشه روی عکس‌هاست، بین دو خواهرش نشسته.
جرقه‌ای در چشم‌هایش این سو و آن سو می‌رود، پرتویی از شادی.
خوابِ دخترهای بزرگتر به او اطمینان می‌بخشد. وقتی کسانی که
دوستان دارند تسلیم خواب می‌شوند، هیچ اتفاق بدی نمی‌تواند
بیفتد. اگر آن‌ها بخوابند، پس اطمینان حاصل کرده‌اند که ما دچار هیچ
حادثه‌ی هولناکی نخواهیم شد. وانگهی، استراحت آن‌ها، نوعی دوری و
حواس پرتی نیست. مثل شعله‌ای است که از شدت آن کاسته می‌شود
ولی هرگز خاموش نمی‌شود. آدرین مستقیماً به جلو، به فاصله‌ی بین

1-Anne

2-Isabelle

3-Adrien